

بیانیہ نصیحتی بہ انصار امام مہدی علیہ السلام

بیان نصیحة إلى أنصار الإمام المهدي مكن الله له في الأرض



خادمكم الذي يتشرف بخدمتكم

احمد الحسن عليه السلام

٢٥ / شوال / ١٤٢٦ هـ ق

٠٦ / آذر / ١٣٨٤ هـ ش

متن و ترجمه

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وال محمد الأئمة والمهديين
«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ (ما سراى آخرت
را برای کسانی قرار می‌دهیم که خواهان برتری و فساد نیستند و فرجام خوش از آن پرهیزگاران است).^۱

الاخوة أنصار الإمام المهدي (ع) السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

اليوم وانتم تقفون هذا الموقف الكريم بين يدي الله سبحانه وتعالى وانتم تمثلون أمة الإيمان التي هي محط
نظر الله سبحانه وتعالى ومحط نظر وفخر الأنبياء والمرسلين (وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ
رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ)^۲، الأمة التي يباهي بها الله سبحانه وتعالى ملائكته، أنبياءه ورسله، أوليائه وخيرته من خلقه،
الأمة التي تمنها جميع الأنبياء (ع)، الأمة التي يفرح بها نوح النبي (ع) ويتذكر أيامه وهو يصنع تلك السفينة
المباركة وكلما مر به فوج يستهزؤون، والأمة التي يفرح بها إبراهيم الخليل (ع) وهو يرى فأسه المبارك من
جديد يهوي على رؤوس أصنام الضلالة الخونة، يفرح بهذه الأيدي الزاكية المباركة التي اختارت أن تحمل
فأس إبراهيم وتعرض عما تواضع عليه أهل الدنيا، وأمة يفرح بها موسى الكليم (ع) وهي تذكره بطور سيناء
وبتلك الكلمات المباركة التي طرقت إذنيه الكريمتين وهمست في قلبه: (فَلَمَّا آتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْأُودِ
الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ)^۳، لأن هذه الأمة أختارت كما
اختار موسى (ع) أن تسمع كلمات الله وان تؤمن بكلمات الله، وان تخضع للحكمة.

برادران و خواهران انصار امام مهدی (ع)، السلام عليكم و رحمة الله و برکاته

شما امروز در حالی در این جایگاه کریم، در پیش‌گاه خداوند متعال ایستاده‌اید که نقش امت با ایمان
را ایفاء می‌کنید، که محل و جایگاه نظر خداوند متعال و جایگاه نظر و افتخار پیامبران و فرستادگان هستید.
(در راه ابلاغ حکم پروردگارت صبر پیشه کن، که تو در حمایت مایی، و آن هنگام که قیام می‌نمایی
پروردگارت را حمد و تسبیح گوی). امتی که خداوند در مقابل فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و اولیائش
و بهترین خلقش به آن مباحث خواهد کرد. امتی که تمام فرستادگان آرزوی آن را کردند. امتی که نوح
پیامبر (ع) از آن خشنود می‌شود و به یاد روزهای [گذشته] خویش می‌افتد، زمانی که آن کشتی مبارک
خود را می‌ساخت و هر بار که عده‌ای از کنارش رد می‌شدند، ایشان را مورد استهزاء قرار می‌دادند. و امتی
که ابراهیم خلیل الله (ع) به آن خشنود می‌شود، وقتی که تبر مبارکش را مجدداً می‌بیند که بر سرت‌های
گمراهی و خیانت کار فرود می‌آید. به این دست‌های پاک و مبارک خشنود می‌شود که حمل تبر ابراهیم

۱ القصص: ۸۳

۲ الطور: ۴۸

۳ القصص: ۳۰

را بر آن چه مردم در برابر آن گردن نهادند، ترجیح دادند و برگزیدند. امتی که به آن موسی کلیم الله (ع) خشنود می شود، چون او را به یاد طور سیناء، و آن کلمات مبارکی که در گوشش طنین انداز شد و قلبش را فرا گرفت، می اندازد: (پس چون به آن [آتش] رسید از جانب راست وادی در آن جایگاه مبارک از آن درخت نداء آمد که ای موسی من خداوند پروردگار جهانیانم). زیرا که این امت همان گونه که موسی انتخاب کرد، برگزید تا کلمات خداوند را بشنود و به آن ها ایمان آورد و در مقابل حکمت گردن نهد.

والأمة التي طالما انتظرها عيسى المسيح (ع) ليعود إلى هذه الأرض وليصرخ بوجه الرومان عبدة المادة، عبدة الطين والحجارة، كالا لديمقراطية روما الوثنية (العلمانية) كالا لقيصر، كالا ليس المحراب للأنبياء والملك لقيصر، بل المحراب والملك للأنبياء والأوصياء. وليصرخ بوجه العلماء غير العاملين الويل لكم انتم كحجر وقع في فم نهر لا انتم تشربون ولا تتركون الماء يخلص إلى الزرع الويل لكم انتم في باب الملكوت تقفون لا انتم تدخلون ولا تتركون الداخلين يدخلون، الويل لكم تأكلون حقوق الأراامل واليتامى، الويل لكم تهتمون بظاهركم وتنسون باطنكم، تظهرون أنكم تطيلون الصلاة وتكبرون العمائم وتطيلون اللحي وتتركون أهم ما في الشريعة العدل والرحمة والصدق. والأمة التي تمخض عنها تيه أمة محمد (ص) كما تمخض تيه بني إسرائيل عن الأمة التي فتحت الأرض المقدسة مع (يوشع بن نون) (ع) الأمة التي كل ما قلت هو قطرة في بحر كرمها وإحسانها وفضلها على سائر الأمم منذ أن خلق الله آدم (ع).

امتی که همواره عیسی مسیح (ع) منتظر آن ماند تا به این زمین باز گردد و در برابر رومیان بندگان مادیات و بندگان گل و سنگ بایستد، نه به دموکراسی رومیان بت پرست (سکولار)، نه به قیصر، هرگز، محراب برای پیامبران و مُلک از آن قیصر نیست، بلکه محراب و مُلک از آن پیامبران و اوصیاست. تا در برابر علمای بی عمل فریاد زند که: وای بر شما، شما مانند سنگی هستید که در دهانه ی رودی افتاده باشد، نه شما آب می خورید و نه اجازه می دهید آب به کشتزار برسد. وای بر شما، شما در درب ملکوت ایستاده اید، نه خود وارد می شوید و نه اجازه می دهید وارد شوند. وای بر شما که حقوق بیوه ها و یتیمان را می خورید. وای بر شما که به ظاهر تان توجه دارید و باطن تان را از یاد برده اید، به ظاهر نماز را طولانی می کنید و عمامه ها را بزرگ و ریش ها را بلند می کنید و مهم ترین امور در شریعت، عدل و رحمت و صدق را رها کرده اید. امتی که نتیجه ی سرگردانی امت محمد (ص) می باشد؛ همان گونه که نتیجه ی سرگردانی بنی اسرائیل امتی بود که سرزمین مقدس را با [یوشع بن نون] فتح کرد. امتی که هر آن چه در مورد فضل و احسان و کرم آن گفتم، نسبت به همه امت ها، از ابتدای خلقت آدم تا کنون، مانند قطره در مقابل اقیانوس است.

ولن تكونوا كذلك، ولن تكونوا هذه الأمة ما لم تكونوا خير أمة أخرجت للناس، بل وخير أمة أخرجت للناس، بل لن تكونوا كذلك ما لم تكونوا المصدق الأمثل والأتم والأكمل لهذه الآية (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ

وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَّمَاهُمْ فِي
وَجْوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرَزَعٍ أُخْرِجَ شَطَاهُ فَأَزْرَهُ فَاسْتَعْلَطَ
فَاسْتَوَى عَلَى سَوْفِهِ يُعْجِبُ الزَّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا
عَظِيمًا).^۴ فليرحم كبيركم صغيركم وليوقر صغيركم كبيركم، وقدموا علماءكم العاملين فانهم وفدكم إلى
الله، اتخذوا الشيطان عدوا كما اتخذكم أعداء، يريد إضلالكم: (إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا
يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ)،^۵ إنما شغل الشيطان فيكم فإن غيركم من الناس قد كفوه أنفسهم
بخروجهم عن الصراط والولاية.

این گونه نخواهید شد، و این امت نخواهید بود تا زمانی که بهترین امتی که برای مردم پدیدار شد،
باشید، بلکه و بهترین پیشوایانی که برای مردم پدیدار شدند، باشید، بلکه آن گونه نخواهید بود تا زمانی که
مصدق برتر و کامل تر برای این آیه باشید: (محمد پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سخت گیر
و با هم دیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می بینی فضل و خشنودی خدا را خواستارند علامت آنان
بر اثر سجود در چهره هایشان است این صفت ایشان است در تورات و مثل آنها در انجیل چون کشته ای
است که جوانه خود بر آورد و آن را مایه دهد تا ستر شود و بر ساقه های خود بایستد و دهقانان را به شگفت
آورد تا از [انبوهی] آنان خدا کافران را به خشم در اندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای
شایسته کرده اند آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است). بنابراین بزرگ تر شما به کوچک ترتان رحم
کند، و کوچک تر شما بزرگ ترتان را بزرگوار شمارد، و علمای با عملتان را مقدم بدارید که آنها
طلایه داران شما نزد خدا هستند. شیطان را دشمن خود بگیرید همان گونه که شما را دشمن بر گرفت، و
خواهان گمراه ساختن شماست: (در حقیقت شیطان دشمن شماست شما [نیز] او را دشمن گیرید [او] فقط
دار و دسته خود را می خواند تا آنها از یاران آتش باشند). به طور حصری شیطان به شما مشغول است،
زیرا که دیگر مردم با خروجشان از صراط و ولایت، کار شیطان نسبت به خودشان را خاتمه داده اند.

لا تقابلوا الإساءة بالإساءة، احسنوا إلى المسيء ألا تحبون أن يقابل الله إساءتكم بالإحسان كذلك كونوا
مع الناس، أما إساءة أحد الأنصار لكم فهي إحسان فالمؤمن المسيء بحقك سيحمل عنك وزرك الذي
أنقص ظهرك. كما تكيلون يكال لكم: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ
إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ).^۶

^۴ الفتح: ۲۹.

^۵ الفاطر: ۶.

^۶ الحشر: ۱۸.

بدی را با بدی پاسخ ندهید، با کسی که به بدی رفتار می کند، به نیکی رفتار کنید، آیا دوست ندارید خدا بدی تان را با احسان و نیکی پاسخ دهد؟ پس همان گونه با مردم رفتار کنید. اما بدی شخصی از انصار به شما، احسان است؛ زیرا مؤمنی که در حق تو بدی می کند، بار گران را از دوشت که کمرت را خم کرده است، بر می دارد. همان گونه که پیمانہ بر می دارید برای شما پیمانہ برداشته می شود: (ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا داشته باشید و هر کسی باید بنگرد که برای فردا [خود] از پیش چه فرستاده است و [باز] از خدا بترسید در حقیقت، خدا به آن چه می کنید آگاه است).

أنا المذنب المقصر قليل العمل كثير الزلل، أرى من فضل الله عليّ وإحسانه الذي لا طاقة لي على شكره أن أكون هذه الأيام كما كان جدي أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (ع) يسب على المنابر ثمانين عاماً. ولا يحزنيّ إلا أنهم يتسافلون بهذا في ظلمات بعضها فوق بعض، ويتعدون عن النور والهدى إلى صراط الله المستقيم، يحزنيّ إنهم يختارون عن علم أو جهل الضلالة والنار على الهدى والجنة، ويشهد الله وملائكته وأنبياءه ورسوله إن قلبي يعتصره الألم عندما أجد أنني سبب في تسافلهم، وأسأل الله أن يغفر لمن يجهل الحقيقة منهم ويهديه إلى الصراط المستقيم ويعرفهم حقي وحتي عليهم. هذا ليس اختياري أنا العبد المسكين، بل هو اختيار الله سبحانه وتعالى إن يجعلني عقبه في طريق كل الناس فلا يدخلوا الجنة إلا باجتيازها: (فَلَا افْتَحَمَ الْعُقْبَةَ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعُقْبَةُ)^۷.

من بندهی گناه کار و مقصر و کم عمل و بسیار خطا کار، این را از فضل خداوند و احسانش بر خود - که توانایی شکر آن را ندارم - می دانم که این روزها مانند جدم علی ابن ابی طالب (ع) که هشتاد سال بر منبرها مورد لعنت قرار می گرفت، باشم. و این مرا اندوهگین نمی سازد؛ جز این که آن ها با این کار در تاریکی هایی که بعضی بر روی بعضی دیگر قرار گرفته اند، فرو می روند و از نور و هدایت به سوی راه مستقیم خداوند دور می شوند. مرا اندوهگین می سازد که آن ها از روی دانایی یا نادانی، گمراهی و آتش را بر هدایت و بهشت ترجیح می دهند و بر می گزینند، و خداوند متعال، فرشتگان، پیامبران و فرستادگان گواه و شاهدند که قلبم به درد می آید وقتی که خودم را سببی در فرو رفتن آن ها در پستی می بینم؛ از خداوند متعال برای هر کس از آنان که نسبت به حقیقت نادان است خواستار مغفرت هستم و او را به راه راست هدایت کند و به آن ها حقم و حجتم را بشناساند. این انتخاب و گزینش من، بندهی مسکین نیست، بلکه انتخاب و گزینش خداوند سبحان و متعال است که مرا گردنه ی تنگ در راه تمام مردم قرار دهد که هرگز وارد بهشت نشوند مگر با عبور از آن: (و نخواست از گردنه سخت [ولایت] بالا رود * و تو چه دانی که آن گردنه سخت چیست).

وإذا كنت أنا العبد الظالم لنفسه يرق قلبي رحمة لهم فكيف بالله سبحانه وتعالى وهو الرؤوف الرحيم أسأله سبحانه برحمته أن يهدي أهل الأرض، ويعرفهم صاحب الحق ويعينهم على اجتياز العقبة. ولكن هيهات فقد تمت الكلمة: (كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ)^۸، ولقد شاء الله ومشيتته كائنه: (وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا * وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوْلُونَ وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا)^۹، و (قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ) ظهور الإمام المهدي (ع) وبين يديه رسوله وهكذا شاء الله أن تكون آية رسول الإمام المهدي (ع) هي العذاب: (وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا)^{۱۰}، و (كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا) لأنهم يكذبون كما كذب الأولون فلا ترسل آية إلا العذاب لكن لا لأمره يعقلون ولا من أوليائه يقبلون: (حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ)^{۱۱}.

من که نسبت به خود ستم کار هستم، دلم از روی رحمت برای آنان می شکند و به درد می آید، پس خداوند متعال که او همان مهربان و بخشایش گر است نسبت به خلق چگونه خواهد بود؟! از او طلب به رحمتش درخواست می کنم که اهل زمین را هدایت کند و به آنها صاحب حق را معرفی کند و در عبور از گردنه به آنان کمک کند. و لیکن هیهات؛ زیرا وعده پایان یافت: (وعده ای که از جانب پروردگار مقرر گشته بود). و خداوند اراده کرد و مشیت او انجام شدنی است: (و هیچ شهری نیست مگر این که ما آن را [در صورت نافرمانی] پیش از روز قیامت به هلاکت می رسانیم یا آن را سخت عذاب می کنیم این [عقوبت] در کتاب [الهی] به قلم رفته است * و [چیزی] ما را از فرستادن معجزات باز نداشت جز این که پیشینیان آنها را به دروغ گرفتند و به ثمود ماده شتر دادیم که [پدیده ای] روشن گر بود و [لی] به آن ستم کردند و ما نشانه ها را جز برای بیم دادن [مردم] نمی فرستیم). (قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ) قبل از روز قیامت، ظهور امام مهدی (ع) است و بین دستانش، فرستاده اش می باشد؛ و این گونه خداوند متعال خواست که آیت و نشانه ی فرستاده ی امام مهدی (ع) خود عذاب باشد: (و ما بدون این که فرستاده ای را [برای هدایت و اتمام حجت به سوی مردم] بفرستیم، عذاب کننده [آنان] نبودیم). و (در کتاب [الهی] به قلم رفته است): زیرا آنان تکذیب می کنند همان گونه که پیشینیان تکذیب کردند، پس نشانه و آیه ای فرستاده نمی شود جز عذاب، اما نه به امر وی می اندیشند و نه از اولیائش می پذیرند: (حکمتی است رسا؛ اما اندازها (برای افراد لجوج) سودی ندارد).

^۸ یونس: ۱۹.

^۹ الإسراء: ۵۹-۵۸.

^{۱۰} الإسراء: ۱۵.

^{۱۱} القمر: ۵.

وقد اخبرنا سبحانه وخبره حق وصدق وعدل: (وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا)،^{۱۲} فلا بد أن يؤمن فوج من أهل كل كتاب بداعي الحق الجديد القديم المصلوب المقتول: (وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا)،^{۱۳} الميت الحي والندير: (مِنَ النَّذْرِ الْأُولَى)،^{۱۴} الذي شبه لهم والذي: (يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا) في يوم قيام الإمام المهدي (ع): (الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُّبِينٍ * رَبُّمَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ * ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ * وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ)،^{۱۵} (كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا) (وَالطُّورِ * وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ * مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ).^{۱۶}

همانا خداوند متعال به ما خبر داد و خبرش حق و راست و عدل می باشد. (و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر این که پیش از مرگش به او [مسیح] ایمان می آورد؛ و روز قیامت، بر آنها گواه خواهد بود). و بایستی که گروهی از اهل هر کتابی به دعوت کننده‌ی بحق جدید قدیم و به صلیب کشیده شده و به قتل رسیده ایمان بیاورند: (و به یقین او را نکشند). آن مُرده زنده و بیم دهنده: (بیم دهنده‌ای از بیم دهندگان پیشین). آن کسی که امرش بر آنها مشتبه شد. و کسی که: (بر آنها گواه خواهد بود). در روز قیام امام مهدی (ع): (الر، این آیات کتاب، و قرآن مبین است. * شاید روزی فرارسد که کافران آرزو کنند که ای کاش مسلمان بودند! بگذار آنها بخورند، و بهره گیرند، و خیالات باطل آنان را غافل سازد؛ ولی به زودی خواهند فهمید * ما اهل هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر این که برای آنها (زمانی معین) در کتاب معلوم بود!). (این مطلب در کتابی نگاشته شده است). (و طور * کتابی نگاشته شده است بتحقیق که عذاب پروردگارت واقع شدنی است * و آن را هیچ باز دارنده‌ای نیست).

فالقرآن هو القرآن، والكتاب هو الكتاب المسطور المعلوم وهو الطور والطور الذي وعدكم الله: (وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ)،^{۱۷} وهو الطور الذي نودي منه موسى (ع): (وَتَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا)،^{۱۸} وحرز فاطمة (ع): (بسم الله الرحمن الرحيم ... الحمد لله الذي خلق النور من النور، وأنزل النور على الطور، في كتاب مسطور، ...)،^{۱۹} والكساء اليماني الذي به شفاء الخمسة أصحاب الكساء (ع) فيه يجبر ضلع الزهراء (ع) المكسور ويسكن دم الحسين (ع) الذي يفور، وينصره ينتصرون وبحكمه يحكمون، وبين يديه: (عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ * مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ)، وثمرود هم ثمود قال الصادق (ع): (قوله تعالى: (كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا)

^{۱۲} النساء: ۱۵۹.

^{۱۳} النساء: ۱۵۷.

^{۱۴} النجم: ۵۶.

^{۱۵} الحجر: ۱-۴.

^{۱۶} الطور: ۸.

^{۱۷} طه: ۸۰.

^{۱۸} مريم: ۵۲.

^{۱۹} مفاتيح الجنان - دعای نور.

قال: ثمود رهط من الشيعة، فإن الله سبحانه يقول: (وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونَ)^{۲۰}، فهو السيف إذا قام القائم عليه السلام: وقوله تعالى: (فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ) هو النبي صلى الله عليه وآله: (نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا) قال: الناقة الامام الذي فهمهم عن الله (وَسُقْيَاهَا) أي عنده مستقى العلم)^{۲۱}.

پس قرآن همان قرآن، و کتاب نگاشته شده همان کتاب معلوم است، و آن همان (طور)^{۲۲} است؛ همان طوری که خداوند وعدهی آن را به شما داد: (و با شما وعده گذاردیم از طرف راست طور). و آن همان طوری است که به موسی (ع) از جانب آن نداء داده شد: (و او را از جانب راست طور ندا کردیم، و او را در حالی که با وی راز گفتیم، مقرب خود قرار دادیم). و حرز فاطمه (ع): (بسم الله الرحمن الرحيم... سپاس خداوندی که نور را از نور آفرید و نور را بر طور نازل کرد، در کتابی نگاشته شده،...). و کساء یمانی که شفای پنج تن آل کساء (ع) به آن می‌باشد و با آن پهلوی شکسته‌ی زهرا (س) ترمیم می‌شود و خون در حال فوران حسین (ع) آرام می‌گیرد و با پیروزی او پیروزی اهل بیت و با حکمش، حکم اهل بیت (ع) جاری می‌گردد و بین دستان وی: (عذاب خدای توست که واقع شدنی است * و چیزی از آن مانع نخواهد بود). و ثمود همان ثمود است که امام صادق (ع) در تفسیر فرموده خداوند متعال: (قوم ثمود از روی سرکشی [پیامبرشان را] تکذیب کردند). فرمود: منظور از ثمود، طایفه‌ای از شیعیان می‌باشند. خداوند متعال می‌فرماید: (و اما ثمودیان پس از آنان را رهبری کردیم ولی کور دلی را بر هدایت ترجیح دادند؛ پس به کیفر آن چه مرتکب می‌شوند صاعقه عذابی خفت آور آنان را در بر گرفت). و آن همان شمشیر است، آن هنگام که قائم (ع) قیام نماید. و فرموده‌ی خداوند: (فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ): پیامبر خدا صلی الله علیه وآله است. و فرمود: (نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا) منظور از ناقة امامی است که به آنها از علم الهی می‌فهماند. و منظور از (وَسُقْيَاهَا) برخوردار کردن آنان از علم و معرفت الهی است).

«وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَصْرِهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ» (این مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم ولی جز اهل علم آن را درک نمی‌کنند)^{۲۳}.

كما أرجو منكم أيها الاخوة والأخوات أنصار الإمام المهدي (ع) أن تتعاملوا بينكم بالرحمة والرأفة الصادقة النابعة من الإيمان بالله سبحانه وتعالى، ابتعدوا عن الرياء والمماراة وحب الظهور والفخر والكذب والحرص ...، تجنبوا الأخلاق الذميمة كما تتجنبون النجاسة، وتحلوا بالصدق والوفاء والرحمة والكرم والشجاعة والعفة

^{۲۰} فصلت: ۱۷.

^{۲۱} بحار الأنوار ج ۲۴ ص ۷۲، البرهان.

^{۲۲} طور: کوه، داخل خانه، آنچه که برابر با چیز دیگری یا اندازه آن باشد...

^{۲۳} العنکبوت: ۴۳.

...، كما تتعطرون بالريح الطيبة. فليعامل الصغير منكم والكبير كما فرض الله على الابن أن يعامل والده وليعامل الكبير منكم الصغير كما يعامل ابنه بغاية العطف والرحمة. (كونوا زينا لأل محمد ولا تكونوا شيناً عليهم). عرفوا الناس بالحق برحمة، وعاملوهم كما تحبون أن تعاملوا، اقتلوا الشيطان الذي في بواطنهم بالكلمة الطيبة، جادلوهم بالتي هي احسن وبالحجة البالغة ولا تعاملوهم بقسوة وغلظة فتكونوا بذلك عوناً للشيطان وجهلهم عليهم. قال تعالى: (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ).^{٢٤}

نیز از شما برادران و خواهران، انصار امام مهدی (ع)، خواهش دارم که بین خود با رحمت و رأفت صادقانه که از ایمان به خداوند سبحان نشأت گرفته باشد، رفتار کنید. از ریاء، جدال و علاقه به خود نشان دادن و فخر فروشی، دروغ و حرص ورزیدن دوری کنید... از اخلاق بد دوری کنید، همان گونه که از نجاسات دوری می کنید. و با صداقت و وفا و رحمت و کرم و شجاعت و عفت و... خود را بیاراید همان گونه که خود را با عطر و رایحه ی خوش معطر می سازید. رفتار کوچک ترتان نسبت به بزرگ تر آن گونه باشد که خداوند بر فرزند واجب کرده که با پدر خویش رفتار کند؛ و بزرگ ترتان با کوچک تر آن گونه رفتار کند که با فرزند خویش با رحمت و عاطفه فراوان، رفتار می کند. **(برای آل محمد زینت باشید نه مایه ی سر افکندگی)**. با رحمت مردم را به حق آشنا کنید، و با آنان همان گونه که دوست دارید با شما رفتار کنند، رفتار کنید، شیطانی که در باطن شان است را با کلمات طيبة از پای در آورید، و با آنچه نیکوتر است و با حجت کامل با آنها بحث و گفت و گو نمایید و با شدت و تندى با آنان رفتار نکنید که با این کار یاری گر شیطان و جهالت شان علیه آنها خواهید شد. **خدای متعال می فرماید: (با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن، و با بهترین شیوه با آنان بحث کن. زیرا پروردگار تو به کسانی که از راه او منحرف شده اند آگاه تر است و هدایت یافتگان را بهتر می شناسد)**.

أسألوهم لماذا يعرض فقهاء آخر الزمان عن مناظرتي بكتاب الله سبحانه وتعالى (القرآن) حيث يدعون انهم حملته دوني، فإن المناظرة ستثبت من هو صاحب القرآن الذي لا يفارقه، ولكن هيهات كما قال أمير المؤمنين (ع): (وانه سيأتي عليكم من بعدي زمان ليس فيه شيئاً أخفى من الحق ولا اظهر من الباطل، ولا أكثر من الكذب على الله ورسوله!! وليس عند أهل ذلك الزمان سلعة أبور من الكتاب إذا تلي حق تلاوته، ولا انفق منه إذا حرف عن مواضعه، ولا في البلاد شيء أنكر من المعروف ولا اعرف من المنكر، فقد نبذ الكتاب حملته، وتناساه حفظته، فالكتاب يومئذٍ وأهله طريدان منفيان وصاحبان مصطحبان في طريق واحد لا يؤويهما مأوى!! فالكتاب وأهله في ذلك الزمان في الناس وليسا فيهم، ومعهم وليس معهم،

لان الضلالة لا توافق الهدى، وان اجتماعا فاجتمع القوم على الفرقة وافترقوا عن الجماعة كأنهم أئمة الكتاب وليس الكتاب إمامهم! فلم يبق عندهم منه إلا اسمه، ولا يعرفون إلا خطه وزبره!! ومن قبل ما مثلوا بالصالحين كل مثله وسموا صدقهم على الله فرية وجعلوا في الحسنة عقوبة السيئة).

از آن‌ها پرسید چرا فقهای آخرالزمان از مناظره با (قرآن) کتاب خداوند سبحان و متعال از من روی گردانی می‌کنند، در حالی که خود را بدون من، حامل علم آن می‌دانند؟ مناظره، صاحب اصلی قرآن که هرگز از آن جدا نمی‌شود را اثبات می‌کند. اما هیئات؛ چرا که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: (بعد از من بر شما زمانی خواهد آمد که در آن چیزی پنهان‌تر از حق و چیزی آشکارتر از باطل و بیشتر از بهتان به خدا و رسولش نخواهد بود. و در نزد اهل آن زمان متاعی نا چیزتر از قرآن، اگر تلاوت شود همان‌گونه باید تلاوت شود، و پر مشتری‌تر از آن اگر تحریف شود نخواهی یافت. در سرزمین‌ها چیزی مأنوس‌تر از منکر و چیزی نامأنوس‌تر از معروف نخواهی دید، حاملان کتاب، کتاب را پشت سر خود انداخته و حافظان کتاب آن را فراموش کردند؛ پس در آن زمان قرآن و اهلش مطرود و کنار گذاشته می‌شوند، دو رفیق‌اند که همراه با هم در یک مسیرند اما هیچ پناه‌گاهی آن‌ها را پناه نمی‌دهد. پس در آن زمان، قرآن و اهلش در میان مردم هستند ولی نه در بین جمعیت‌شان و همراه آن‌ها؛ زیرا که گمراهی و ضلالت در یک جا جمع نمی‌شوند! مردم بر فرقه فرقه شدن با هم توافق یابند گویی که آن‌ها، امامان کتاب هستند نه کتاب رهبر و پیشوای آنان. پس در نزد آنان از قرآن چیزی جز اسمش نمی‌ماند و از آن چیزی نمی‌دانند جز خط و حرکاتش را، و از قبل چه بلاهایی بر سر بندگان صالح خدا نیاورده‌اند و راست گویی آنان را دروغ بستن به خدا نامیدند، و برای کار خیر پاداش کار شر قرار دادند).

سبحان الله هل أمسوا يعدون الفرار من مناظرتي منقبة وفضيلة كما كان أسلافهم يعدون الفرار من سيف أبي علي بن أبي طالب (ع) منقبة وفضيلة. أنا مخاطبهم كما خاطبهم أبي أميرالمؤمنين (ع): (أين الذين زعموا أنهم الراسخون في العلم دوننا، كذبا وبغيا علينا أن رفعنا الله ووضعهم، وأعطانا وحرمهم، وأدخلنا وأخرجهم. بنا يستعطي الهدى ويستجلى العمى. إن الأئمة من قريش غرسوا في هذا البطن من هاشم. لا تصلح على سواهم، ولا تصلح الولاية من غيرهم ... أثروا عاجلا وأخروا أجلا، وتركوا صافيا وشربوا أجنا ... أين العقول المستصعبة بمصابيح الهدى، والأبصار اللامحة إلى منار التقوى. أين القلوب التي وهبت لله ووقدت على طاعة الله. ازدحموا على الحطام وتشاحوا على الحرام. ورفع لهم علم الجنة والنار فصرفوا عن الجنة وجوههم، وأقبلوا إلى النار بأعمالهم. دعاهم ربهم فنفروا وولوا. ودعاهم الشيطان فاستجابوا وأقبلوا).^{۲۵}

سبحان الله! آیا آنان فرار کردن از مناظره با من را فضیلت می‌دانند، همان‌گونه که گذشتگان‌شان گریختن از شمشیر جدم علی بن ابی طالب (ع) را فضیلت و منقبت می‌دانستند؟! من آنان را مخاطب قرار می‌دهم همان‌گونه که پدرم امیرالمؤمنین (ع) آنان را مورد خطاب قرار داد: (کجایند کسانی که به دروغ و از روی حسد گمان می‌کنند که آنان ریشه‌داران در دانشند نه ما. خداوند ما را بالا برده و آن‌ها را پایین، به ما عنایت کرده و آن‌ها را محروم ساخته است، ما را وارد کرده، و آن‌ها را خارج. تنها به وسیله ما هدایت حاصل می‌شود، و کوری و نادانی بر طرف می‌گردد. امامان از قریش‌اند اما نه همه قریش بلکه خصوص یک تیره از بنی‌هاشم. جامه امامت جز بر تن آنان شایسته نیست و کسی غیر از آنان چنین شایستگی را ندارد... دنیای زودگذر را برگزیدند، و آخرت جاویدان را رها کردند، چشمه زلال را گذاشتند و از آب تیره و ناگوار نوشیدند... کجایند، عقل‌های روشنی خواه از چراغ هدایت؟ و کجایند چشم‌های دوخته شده بر نشانه‌های پرهیزگاری؟ کجایند دل‌های به خدا پیش کش شده و در اطاعت خدا پیمان بسته؟ افسوس که دنیا پرستان بر متاع پست دنیا هجوم آوردند، و برای به دست آوردن حرام یورش آورده یک‌دیگر را پس زدند. نشانه بهشت و جهنم برای آنان بر افراشته، اما از بهشت روی گردان و با کردار زشت خود به طرف آتش روی آوردند. پروردگارش آنان را فرا خواند اما پشت کرده، فرار نمودند، و شیطان آنان را دعوت کرد، پذیرفته به سوی او شتابان حرکت کرده‌اند).

والسید محمود الحسني حيث يدعي انه الأعلّم فأنا ادعوه للمناظرة العلنية ليعرف صاحب الحق إن كان يهدف لمعرفة صاحب الحق، ولا يقل أنا فقيه اعلم بالفقه لا بالقرآن فإن الأعلّم بالفقه لا بد أن يكون الأعلّم بالقرآن، لان القرآن هو أصل الفقه ومعدنه. ولكي لا تبقى حجة لمحتج فأنا لا أقيده بأي شرط، وله أن يشترط ما شاء على أن لا يتعدى القرآن والرسول (ص) والأئمة (ع).

سید محمود حسنی که ادعاء می‌کند اعلّم است، من ایشان را به مناظره علمی دعوت می‌کنم تا صاحب حق را بشناسد؛ اگر وی به دنبال شناختن صاحب حق باشد. و نگویید که من در فقه اعلم‌تر هستم و نه در قرآن، زیرا اعلم به فقه ناگزیر باید به قرآن هم اعلم باشد، زیرا قرآن اصل فقه و معدن آن است. برای این که بهانه و حجتی برای کسی باقی نماند، من هیچ‌گونه شرطی نمی‌گذارم و برای وی جائز است هر شرطی که مخالف قرآن و رسول (ص) و ائمه (ع) نباشد، بگذارد.

أسألوهم هل إن القرآن ما زال يجري مجرى الشمس والقمر كما اخبر الأئمة (ع) فإذا كان كذلك فمن هو صاحب هذه الآية في هذا الزمان: (وإذ قال عيسى ابن مريم يا بني إسرائيل إني رسول الله إليكم مصدقاً لما بين يدي من التوراة ومبشراً برسول يأتي من بعدي اسمه أحمد فلما جاءهم بالبينات قالوا هذا سحرٌ

مُبیین^{۲۶}. فقد نزلت بمحمد (ص) ولكن القرآن حي لا يموت، فمن هو احمد الذي بشر عيسى (ع) بإرساله قبل عودته (ع) إلى أهل الأرض في زمن ظهور الإمام المهدي (ع)، ومن هو احمد الذي ذكره رسول الله (ص) والأئمة (ع):

از آن‌ها سؤال کنید: آیا هنوز قرآن جریانی همانند گردش خورشید و ماه دارد همان‌گونه که امامان (ع) خبر دادند یا خیر؟ اگر این‌گونه است صاحب این آیه در این زمان کیست؟ (هنگامی که عیسی بن مریم فرمود: ای فرزندان بنی اسرائیل من فرستاده‌ای از جانب خدا برای شما هستم تورات را که پیش از من بوده، تصدیق کرده و به فرستاده‌ای که بعد از من می‌آید و نام او احمد است، بشارت گر هستم پس وقتی برای آنان دلایلی آشکار آورد گفتند: این سحری آشکار است). این آیه در حق حضرت محمد (ص) نازل شد، ولی قرآن حی لا یموت است. پس احمد که عیسی (ع) فرستادنش را قبل از بازگشتش برای اهل زمین در زمان ظهور امام مهدی (ع) بشارت داد کیست؟ و این احمد که رسول الله (ص) و ائمه (ع) ذکر کردند کیست؟

۱. وقال رسول الله (ص) في وصيته: (في الليلة التي كانت فيها وفاته لعلي (ع) يا أبا الحسن احضر صحيفة ودواة فأملی رسول الله (ص) وصيته حتى انتهى إلى هذا الموضع فقال يا علي انه سيكون بعدي اثنا عشر إماما ومن بعدهم اثنا عشر مهدياً فأنت يا علي أول الأئمة عشر إمام، وساق الحديث إلى أن قال وليسلمها الحسن (ع) إلى ابنه م ح م د المستحفظ من آل محمد (ص) فذلك اثنا عشر إماما ثم يكون من بعده اثنا عشر مهديا فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه أول المهديين له ثلاثة أسامي اسم كاسمي واسم أبي وهو عبد الله و احمد والاسم الثالث المهدي وهو أول المؤمنين).^{۲۷}

۱. رسول خدا (ص) در همان شبی که رحلت ایشان واقع شد، به علی (ع) فرمود: (ای ابا الحسن صحیفه و دواتی حاضر کن. رسول اکرم (ص) وصیت خود را إملاء کرد و علی (ع) می‌نوشت، تا بدین جا رسید که فرمود: یا علی! بعد از من دوازده امام می‌باشند و بعد از ایشان دوازده مهدی. پس تو یا علی اولین دوازده امام می‌باشی. و حدیث به درازا کشید تا این که فرمود: و چون وفات حسن عسکری برسد آن (خلافت) را به فرزندش (م ح م د) که مُستحفظ شریعت و از جمله آل محمد است تسلیم کند، و ایشان دوازده امام‌اند. سپس بعد از ایشان دوازده مهدی خواهند بود. (پس وقتی که او را اجل دریافت)، امر (خلافت) را به فرزندش که اولین مهديين است بسپارد، برای او سه نام است، یک نامش مانند نام من، و نام دیگرش نام پدر من است و آن‌ها عبدالله و أحمد، و نام سوم او مهدی است، و او اولین مؤمنان است).

^{۲۶} الصف: ۶

^{۲۷} بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۴۷ والغيبة للطوسي ص ۱۵۰.

۲. عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر، عن أبيه، عن جده عليهم السلام قال: قال أمير المؤمنين (ع) - وهو على المنبر - : (يخرج رجل من ولدي في آخر الزمان (الى ان قال...) له اسمان: اسم يخفى واسم يعلن، فأما الذي يخفى فأحمد وأما الذي يعلن فمحمد...)^{۲۸}.

۲. از امام باقر از پدرانش نقل شده که امیرالمومنین (ع) - در حالی که بر روی منبر بود - فرمود: (مردی از فرزندان من در آخر الزمان خروج می کند (تا آنجا که فرمود...) برای او دو اسم است: اسمی آشکار و اسمی پنهان، اسم آشکار محمد و اسم پنهان احمد است).

۳. عن رسول الله: (ذكر المهدي: انه يبائع بين الركن والمقام اسمه احمد وعبد الله والمهدي فهذه أسماءه ثلاثها)^{۲۹}.

۳. رسول خدا (ص) در ذکر و یاد مهدی فرمود: (با او در بین رکن و مقام بیعت می شود، در حالی که سه نام دارد: احمد و عبدالله و مهدی).

۴. وقال الإمام الباقر (ع): (إن لله تعالى كنزا بالطاقان ليس بذهب ولا فضة، اثنا عشر ألفا بخراسان شعارهم (أحمد، أحمد) يقودهم شاب من بني هاشم على بغلة شهباء، عليه عصابة حمراء، كأني أنظر إليه عابر الفرات. فإذا سمعتم بذلك فسارعوا إليه ولو حبو على الثلج)^{۳۰}.

۴. و امام باقر (ع) فرمود: (برای خدای تعالی گنجی در طالقان است که از طلا و نقره نیست، بلکه دوازده هزار نفر در خراسان اند که شعارشان «احمد...احمد» است. رهبر آن ها جوانی از بنی هاشم سوار بر قاطری سپید رنگ است و پیشانی بندی قرمز رنگ بر سر بسته است، گویی به او می نگرم که از رود فرات هم می گذرد، اگر دعوت او را شنیدید به سوی او بشتابید حتی اگر مجبور باشید سینه خیز بر روی یخ ها حرکت کنید).

۵. وقال الإمام الصادق (ع): (ثم يخرج الحسنی الفتی الصبیح الذي نحو الديلم! يصيح بصوت له فصیح یا آل أحمد (أي یا أنصار احمد) أجيبوا الملهوف، والمنادي من حول الضريح فتجيبه كنوز الله بالطاقان كنوز وأي كنوز، ليست من فضة ولا ذهب، بل هي رجال كزبر الحديد...)^{۳۱}.

۵. امام صادق (ع) فرمود: (سپس حسنی جوان خوش سیما از سمت دیلم خروج می کند و با صدایی رسا ندا می دهد ای آل احمد [یعنی انصار احمد] آن فراری و منادی دور ضریح را اجابت کنید؛ سپس

^{۲۸} کمال الدین و تمام النعمة - الشيخ الصدوق ص ۶۵۳.

^{۲۹} غيبة الطوسي ص ۴۷۰.

^{۳۰} منتخب الأنوار المضيئة ص ۳۴۳.

^{۳۱} بحار الأنوار - العلامة المجلسي ج ۵۳ ص ۱۵.

گنج‌های طالقان او را اجابت می‌کنند و چه گنج‌هایی، از طلا و نقره نیستند بلکه مردانی با قلب‌های آهنین هستند...).

۶. وعن الإمام الصادق (ع): (ومن البصرة عبد الرحمن واحمد)،^{۳۳} وما ورد عن أمير المؤمنين (ع): (ألا وان أولهم من البصرة وآخرهم من الإبدال ...).^{۳۳}

۶. و امام صادق (ع) فرمود: (و از بصره عبد الرحمن و احمد). و نیز از امیر المؤمنین (ع) نقل شده که فرمودند: (... آگاه باشید که اولین آنان از بصره و آخرین آنان از ابدال می‌باشد...).

اسألوهم لماذا يعرضون عن مهابلتي، اسألوهم بماذا يفسرون آلف الرؤى التي رآها عدد كبير جداً من المؤمنين وفي بلدان مختلفة، رأوا رسول الله (ص) والأئمة (ع) في المنام وهم يخبرون إن احمدالحسن حق وما سواه زخرف وباطل، عن عبد الله بن عجلان قال: ذكرنا خروج القائم (عليه السلام) عند أبي عبد الله (ع) فقلت: كيف لنا نعلم ذلك؟ فقال (ع): يصبح أحدكم وتحت رأسه صحيفة عليها مكتوب: طاعة معروفة. (اسمعوا وأطيعوا).^{۳۴} وهذه الصحيفة هي رؤيا رآها القائم قبل ان يستيقظ صباحاً، اسألوهم هل الحق في حاكمية الله التي يدعو لها احمدالحسن وهي التي أمر بها الله تعالى في كتابه الكريم أم في حاكمية الناس والانتخابات التي يدعون لها ويلهثون وراءها وهي بقايا مائدة الأمريكان الكفرة، ثم ها قد جاءتنا أيام الحج فاسألوهم هل سيلبون في الحج وهل سيقولون: (ليكن اللهم ليبيك، ليبيك لا شريك لك ليبيك، إن الحمد والنعمة لك والملك لك لا شريك لك)، ثم ألا يستحي من يلي هذه التلبية منهم من نفسه، أو ليسوا بانتخاباتهم يصرخون (الملك لنا) أو ليسوا يصرخون (الملك لغيرك لاشيء لك) فأبي ملك ابقوا لله حتى يقولوا له سبحانه (الملك لك لا شريك لك) أو ليس هذا هو النفاق بعينه فعملهم يخالف قولهم، ويخالف راية الإمام المهدي (ع): (البيعة لله)، واسألوهم بماذا يفسرون عشرات الأدلة على هذه الدعوة وكلها أدلة الأنبياء والمرسلين (ع): (قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَاً مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفَعَّلُ بِي وَلَا بَكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ).^{۳۵}

از آن‌ها سؤال کنید که چرا از مباحله با من روی گردانی می‌کنند. از آن‌ها سؤال کنید که هزاران رؤیای صادقه که تعداد زیادی از مؤمنان در کشورهای مختلف که در آن‌ها رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) را دیده‌اند و به آن‌ها خبر دادند که احمدالحسن حق است و غیر او باطل را چگونه تفسیر می‌کنند؟ عبدالله بن عجلان گوید: (خروج قائم را نزد ابی عبدالله (ع) یاد کردیم و پرسیدیم چگونه آن را بدانیم؟ حضرت

^{۳۳} بشار الإسلام ۱۸۱.

^{۳۳} بشارة الإسلام ص ۱۴۸.

^{۳۴} منتخب الأنوار المضيئة - السيد بهاء الدين النجفي ص ۳۱۱ / كمال الدين ص ۶۵۴.

^{۳۵} الأحقاف: ۹.

فرمود: هر شخص از شما بیدار می‌شود و در زیر سرش صحیفه‌ای می‌یابد که در آن نوشته شده است: اطاعتی نیکو). (بشنوید و اطاعت کنید). و این صحیفه همان رؤیا است که شخص صبح قبل از بیدار شدن می‌بیند. از آن‌ها سؤال کنید که آیا حق در حاکمیت خدا که احمد الحسن به آن فرا می‌خواند، و خداوند در کتاب کریمش به آن امر می‌کند، است، یا در حاکمیت مردم و انتخاباتی که دعوت به آن می‌کنند و به دنبال آن زبان از کام بر می‌آورند که آن ته مانده سفره آمریکای کافر است؟ به علاوه این ایام حج است که فرا رسیده است، پس از آنان پرسید که آیا در حج به لبیک خواهند پرداخت و خواهند گفت: (لبیک اللهم لبیک لبیک لا شریک لک لبیکه إن الحمد و النعمة لک و الملک لک لا شریک لک). آیا هر کس از آنان که این تلبیه را می‌گوید از خود شرم نمی‌کند؟! آیا با انتخابات‌شان فریاد سر نمی‌دهند که مُلک و فرمان‌روایی از آن ماست؟! آیا فریاد نمی‌زنند که مُلک از آن غیر توست و چیزی از آن تو نیست؟! پس چه مُلکی برای خداوند باقی گذاشته‌اند تا به او سبحان بگویند: (ملک و فرمان‌روایی برای توست و شریکی برای تو نیست). آیا این عین نفاق نیست؟! زیرا عمل آن‌ها مخالف گفته‌های‌شان و مخالف پرچم امام مهدی (ع) که بر آن نوشته شده است: (بیعت برای خدا). از آن‌ها پرسید که ده‌ها دلیل بر این دعوت که همگی دلایل انبیاء و فرستادگان (ع) است را چگونه تفسیر می‌کنند: (بگو من رسولی نوظهوری نیستم؛ و نمی‌دانم با من و شما چه خواهد شد؛ من تنها از آنچه بر من وحی می‌شود پیروی می‌کنم، و جز هشدار دهنده‌ای آشکار نیستم).

أیها الاخوة أنصار الإمام المهدي (ع) لقد كلفني الله مالا طاقة لي على حمله إلا أن يعينني بحوله وقوته. وهو استقامتي واستقامتكم: (فَأَسْتَقِيمُ كَمَا أُمِرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ).^{۳۶} فأعينوني بورع واجتهاد وعفة وسداد وإصلاح ذات بينكم.

ای برادران و خواهران انصار امام مهدی (ع)، خداوند مرا مکلف به امری کرده است که یارای حمل آن را ندارم؛ مگر این که او با حول و قدرت خویش مرا یاری دهد و آن استقامت من و استقامت شماست: (همان گونه که دستور یافته‌ای، ایستادگی کن و هر که با تو توبه کرده نیز چنین کند و طغیان نکنید که او به هر آن چه انجام می‌دهند بیناست). پس با پرهیزگاری، تلاش، عفت، راستی و درستی، و اصلاح بین خود مرا یاری کنید.

واستغفر الله لكم ولي من كل ذنب أذنبناه وكل خطيئة أخطئناها. اذكروا الله يذكركم واستغفروه يغفر لكم واستعينوه يعينكم واستنصروه ينصركم واستغيثوه يغثكم، وليكن القرآن شعاركم ودثاركم، ولتكن الصلاة والدعاء معراجكم إلى الله بولي الله. ولا تنسوني من دعائكم في أناء الليل وأطراف النهار.

برای هر گناهی که مرتکب شده‌ایم از خداوند برای شما و خودم، طلب آمرزش می‌کنم. خدا را یاد کنید او نیز شما را یاد می‌کند طلب آمرزش کنید تا شما را ببخشد و از او یاری بجوید تا شما را یاری دهد، و از او طلب نصرت کنید تا شما را نصرت دهد، و به او استغاثه کنید تا شما را استغاثه کند و قرآن شعار و پوشش تان باشد، نماز و دعای تان به وسیله ولی خدا معراج شما به سوی خدا باشد. و مرا از دعای خویش در نیمه‌های شب و اطراف روز محروم نکنید.

والسلام علیکم یا أنصار الله وأنصار الأنبياء والمرسلين وأنصار الإمام المهدي (ع) ورحمة الله وبركاته وصلواته وصلوات ملائكتك عليكم.

وعظم الله أجوركم بوفاة الإمام الصادق (ع).

(احیوا أمر آل محمد رحم الله من أحیا أمر آل محمد)

ربي (أَنْي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ) لدينك *** ربي (أَنْي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ) لدينك *** ربي (أَنْي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ) لدينك

درود خدا ای انصار الله و انصار پیامبران و فرستادگان و انصار امام مهدی (ع) و رحمت و برکاتش بر شما باد. و صلوات خدا و فرشتگان بر شما باد.

خداوند پاداش شما را به مناسبت شهادت امام صادق (ع) بزرگ دارد.

(امر آل محمد را احیاء کنید، خداوند رحمت کند کسی که امر آل محمد را احیاء کند).

پروردگارا (من مغلوب شدم، پس مرا یاری کن) بخاطر دینت *** پروردگارا (من مغلوب شدم، پس مرا یاری کن) بخاطر دینت. پروردگارا (من مغلوب شدم، پس مرا یاری کن) بخاطر دینت.

خادمکم الذی یتشرف بخدمتکم

المذنب المقصر بحق الله وحق الإمام المهدي (ع)

احمد الحسن

۲۵ / شوال / ۱۴۲۶ هـ . ق



گردآوری و تنظیم:

صادق شکاری

شوال ۱۴۴۱ ه.ق

<http://sadeghshekari.com>

جهت آشنایی با دعوت سید احمد الحسن عليه السلام به تارنمای زیر مراجعه نمایید:

<https://www.almahdyoon.co>

مطالب مرتبط :

[دانلود بیانیه‌های سید احمد الحسن \(ع\)](#)

[دانلود خطبه‌ها و سخنرانی‌های سید احمد الحسن \(ع\)](#)

[دانلود کتاب‌های سید احمد الحسن \(ع\)](#)